

پنهان

بور نظامی آمریکا در افغانستان



مقامات خود دولت، به کنگره، به سنا، در بیان واقعیت صادق نیستند - نه به ملت و ملت ها . یعنی آنجایی که باید گزارش بدهند، گزارشات غیرواقعی می دهند. در این روایت های شفاهی می گوید که روند تحولات این بود که ما دچار ناکامی شدیم، ما به هیچ کدام از اهداف نرسیدیم، در حالیکه وزیر دفاع، آقای رامسفیلد وقتی گزارش می دهد می گوید مسئله تمام شد، ما پیروز شدیم. نه اینکه این مطلب را در حضور خبرنگاران بگوید، در شهادتی که در دادگاه می دهد، این حرف ها را می زند.

مسئله دیگری که من در این روایات شفاهی دیدم این است که حتی برداشت از محیط از یک موضوع توسط فرماندهان، متفاوت است. یعنی اینکه اینها نه در تحلیل یک تحول، حتی در برداشت اولیه از یک حادثه (اینکه عامل آن چه بود، چه اتفاقی بود) دچار خطا شدند. وقتی شما در این مستندات نگاه می کنید، نمی دانید واقعاً آمریکایی ها چه اهدافی را دنبال می کردند. مثلاً در هدف نظامی - آنهايي که با مسائل نظامی آشنا هستند - اولین مسئله، اصل هدف است که شما تیرا باید به کدام سمت شلیک کنید. باید به کدام سمت بکشانید. جالب است در بعضی از داستان ها دیدم که فرماندهان آمریکایی به گونه ای عمل می کنند که شاید این کار یک نیروی آماتور هم نیست. می گویند ما در اتاق عملیات بودیم، خبر دادند که یک گروهی از این سمت به سمت فلان منطقه می رود، فوراً ماشین ها را راه انداختیم و رفتیم ولی در آتش آنها گیر کردیم. یعنی شما برای یک ارتش ابرقدرت که انواع ابزارهای اطلاعاتی را دارد، از بالون های اطلاعاتی بگریزد - حتماً دیدید، بالون هایی که مجهز به دوربین های wild angel هست که هم تصویری می گیرد و هم فیلم می گیرد و فوراً به مرکز اتاق اطلاعاتی خود منتقل می کند - تا سیستم های الکترونیک، نیروهای نفوذی و انواع شبیهه هایی که وجود دارد، می گویند همین که این خبر را به ما دادند، رفتیم و با آتش